سیاست و مجلس

حاشیه‌نشینان در بحران ۴

افزایش بیکاری فارغ‌التحصیلان .. ۵

سیاست بین‌الملل

راه سوم ۶

حزب‌الله در مرحله انتقالی است .. ۷

سیاست بین‌الملل

افزایش سفر مسلمانان به آمریکا .. ۸

پیچیدگی بحران دارفور ۹

اصناف

زولبیا و بامیه ۱۲۰۰ تومان ۱۰

یازده سپتامبر در وزارت امور خارجه دولت اصلاحات

ادامه سرمقاله

لحظاتی بعد هواپیمای دوم در مقابل دوربین‌های تلویزیونی به ساختمان اصابت کرد و آن را به آتش کشید. دو روز بعد از ترور مسعود عملیات تروریستی بسیار مهم‌تر و حیرت‌آورتری به وقوع پیوسته بود. عملیاتی که خیلی چیزها را در سطح جهان تغییر داد.

برای مسئولین مرتبط با افغانستان که در مقابل پرسش مهم چرایی ترور مسعود قرار داشتند، مرتبط دیدن این دو عملیات انتحاری با یکدیگر مشکل نبود. این ارتباط تایید می‌کرد طراح هر دو عملیات واحد بوده و به احتمال زیاد توسط گروه القاعده انجام شده است. اطلاعات دیگری نیز انجام عملیات توسط گروه القاعده را به قوی‌ترین احتمال بدل می‌کرد. ارتباط این مسائل با یکدیگر و با گروه القاعده و با همسایگان شرقی ایران همه دلایل مهمی برای ورود معاونت آسیای وزارت امور خارجه در این بحران بود. اما در آن روزها دلیل مهم‌تری هم وجود داشت. وزیر امور خارجه در خارج از کشور بود و در چند ماه اول دوره دوم اصلاحات، در غیاب وزیر، معاون این حوزه نقش جانشین وزیر را ایفا می‌کرد و این روز هم یکی از روزهای این دوره کوتاه بود.

به سرعت مشورت در مورد موضوع آغاز شد. وزارت امور خارجه باید تکلیف کار را ظرف چند ساعت و قبل از نیمه شب روشن می‌کرد و پیشنهاد خود را در مورد چگونگی واکنش به این جنایت، برای تصمیم‌گیری مسئولین عالی کشور به آنان منعکس می‌کرد. طبعاً اولین پرسش پیش روی درباره ماهیت حادثه بود. روشن است برای پاسخ به این پرسش یافتن پاسخ برای پرسش‌های زیادی ضروری بود. ماهیت ماجرا چیست؟ چه کسی این جنایت را مرتکب شده است؟ اگر القاعده عامل عملیات است چگونه به چنین امکاناتی آن هم در آمریکا دست یافته است و از چه عواملی کمک گرفته است؟ آیا این عملیات به درگیری‌های داخلی آمریکا نیز مربوط است یا کاملاً از بیرون هدایت شده است؟ اگر شواهدی حاکی از ادعای رهبر القاعده برای انجام چنین عملیاتی وجود داشته، چرا این اطلاعات در آمریکا مورد توجه واقع نشده است؟ اگر القاعده این عملیات را انجام داده است آیا به صورت نامحسوس توسط تندروهای آمریکایی یا اسرائیلی هدایت نشده است؟ آیا ممکن است عواملی نفوذی این گروه را به سمت عملیات مطلوب تندروهای آمریکایی یا اسرائیلی سوق داده باشند؟ پیامدهای این حادثه چیست؟ عاملان این حادثه چه اهدافی را دنبال می‌کنند. آیا فقط یک عملیات تروریستی کور بوده یا عاملان پیدا و پنهان آن، به دنبال مقاصد مشخصی هستند. چه کسی از این عملیات سود می‌برد و چه کسانی از واقعه خشنود می‌شوند؟

پرسش‌های بیشتری از این دست وجود داشت که هنوز هم بسیاری از آنها پس از گذشت پنج سال بی‌جواب مانده و ممکن است برای همیشه بی‌پاسخ بماند. شواهد اطلاعات مسئولان اطلاعاتی در مورد احتمال قوی انجام عملیات توسط القاعده نیز چیز زیادی از انبوه پرسش‌ها و ابهامات مسئله نمی‌کاست. بررسی همه پرسش‌ها مهم بود اما برای تصمیم‌گیری ظرف سه یا چهار ساعت بی‌فایده بود.

سیاست و از جمله سیاست خارجی پدیده‌های پیچیده‌ای هستند و تصمیم‌گیرندگان در این حوزه در بسیاری از شرایط بحرانی قادر نیستند همه وجوه پدیده‌ها را به طور کامل بررسی کنند چرا که با فقدان اطلاعات کافی مواجه هستند، اما گاه پیچیده نگاه کردن به یک مسئله ممکن است اهل سیاست را از روایت ساده و بدیهی پدیده نیز غافل کند و شرایط آنان را بغرنج‌تر کند. به همین دلیل ضرورت دارد در کنار همه جنبه‌ها همواره از روایت ساده و بدیهی پدیده‌های سیاسی و بین‌المللی هم غفلت نشده و صورت ساده‌تر مسائل در کنار صورت‌های پیچیده آن مورد توجه قرار گیرد. این اقدام در ایران که نخبگان آن طبق یک سنت دیرینه، عادت به فرافکنی دارند و موانع را دور از دسترس خود تعریف می‌کنند و مشکلات را از عینک تئوری توطئه بیگانگان می‌نگرند ضروری‌تر است. با تکیه بر وجوه بدیهی و قطعی پدیده به دلایل ذیل موضع‌گیری سریع رئیس جمهور ضروری به نظر می‌رسید:

۱- در یک عملیات تروریستی چند هزار نفر انسان که غالباً نسبتی هم با دولتشان نداشتند، در شرایط غیرجنگی، توسط تروریست‌ها کشته شده بودند. اینکه چه کسی عامل این جنایت باشد و چه هدفی را برای جنایت خود دنبال کرده است چیزی را در اصل موضوع تغییر نمی‌داد. این جنایت باید به شدت و با صراحت محکوم می‌شد.

۲- ایران در حوادث مشابه توسط مخالفانش مورد اتهام قرار می‌گرفت. اگر برای همه ضروری بود که جنایت را محکوم کنند برای ایران ضرورت مضاعف داشت که با محکوم کردن این جنایت نه تنها موضع شفاف خود را بیان کند بلکه با ابتکار و سرعت عمل، عملکرد تبلیغاتی مخالفانش را نیز خنثی کند.

۳- محکوم کردن جنایت طی موضع‌گیری وزارت امور خارجه مناسب بود اما کافی نبود. موضع رئیس جمهور با وجهه ضدخشونت و صلح‌طلبانه‌اش و با موضعی که در زمینه گفت‌وگوی تمدن‌ها و صلح در سطح جهان داشت، خیلی بهتر شنیده می‌شود و می‌توانست فضای تبلیغاتی مخالفان ایران را کاملاً خنثی کند.

این جمع‌بندی سریعاً به ریاست جمهوری منعکس شد و پیشنهاد شد آقای خاتمی سریعاً موضع‌گیری کنند، برای همه ما مسلم بود که رئیس جمهور دیر یا زود موضع‌گیری محکمی علیه این جنایت اتخاذ خواهند کرد اما درخواست آن بود که ایشان فوراً موضع بگیرند.

هنوز ساعتی از حادثه نگذشته بود که رهبران اسرائیلی کار خود را آغاز کردند، باراک و نتانیاهو نخست‌وزیران سابق و اسبق اسرائیل جزء اولین شخصیت‌های سیاسی بودند که کارشان را رها کرده و به تحلیل این حادثه مشغول شدند. آنان به گفت‌وگویی مستقیم با شبکه‌های بین‌المللی نشستند تا روایتی اسرائیلی را برای موضوع جا بیندازند. به ادعای آنان مسئله کاملاً روشن است و عاملان ترور ناشناخته نیستند. آمریکا باید در کشورهای حامی تروریسم مانند ایران، سوریه و لبنان به دنبال مسببین این جنایت بگردد. جالب آن بود که آنان از مطرح کردن افغانستان به‌عنوان یک مرکز تروریستی خودداری می‌کردند و برای این مرکز تروریستی اولویت قائل نبودند و تاکید داشتند که این جنایت از کشورهایی مانند ایران رهبری شده است. این شیوه عمل اسرائیل ضمن تایید نظر وزارت امور خارجه نشان می‌داد که مخالفان تندرو ایران در سطح جهان به سرعت وارد عمل شده‌اند و در پی آنند که در فضای رسانه‌ای، حرف خود را به‌عنوان مبنای اصلی تحلیل حادثه جا بیندازند. برای جلوگیری از این توطئه تبلیغاتی سرعت عمل متقابل بسیار ضروری بود.

با توجه به اینکه هنوز تصمیم رئیس جمهور مشخص نبود، در وزارت امور خارجه از همکاران حوزه مربوط به سخنگو و رسانه‌ها خواسته شد دو متن یکی برای پیشنهاد به رئیس جمهور و دیگری برای موضع‌گیری احتمالی وزارت امور خارجه آماده کنند. همزمان از دکتر خانیکی معاون وزیر علوم و مشاور رئیس جمهور که قلمی مورد تایید رئیس جمهور داشت تقاضا شد متنی را برای پیشنهاد به رئیس جمهور آماده کند. به ایشان گفته شد رئیس جمهور هنوز تصمیم به موضع‌گیری نگرفته‌اند اما فرصت بسیار کم است و باید همه چیز آماده باشد که در صورت اتخاذ تصمیم ایشان متن مناسبی در دسترس باشد و به ایشان پیشنهاد شود.

علاوه بر همکاران وزارت امور خارجه، دوستان مختلفی از مشاوران و همکاران رئیس جمهور، بعضی از اعضای دولت و بعضی اساتید دانشگاه طی تماس‌های مختلفی تاکید کردند که ضرورت دارد رئیس جمهور ایران خیلی سریع موضع‌گیری کند. بعضی از آنان روی جنبه‌های انسانی جنایت پافشاری می‌کردند و معتقد بودند که به همین دلیل آقای خاتمی به‌عنوان منادی گفت‌وگوی تمدن‌ها آن هم در سال گفت‌وگوی تمدن‌ها باید قبل از دیگران موضع‌گیری کنند و با واکنش سریع خود نیز پیام شفاف‌تری به جامعه بین‌المللی بدهند، عده‌ای هم روی تبلیغات مغرضانه مخالفان تاکید داشتند و معتقد بودند که عدم سرعت عمل ما، فضای تبلیغاتی علیه ایران را شکل می‌دهد و روز بعد معلوم نیست که تغییر فضا به راحتی ممکن باشد. از همه این شخصیت‌ها خواسته می‌شد که سعی کنند نظر خودشان را مستقیماً به رئیس جمهور و یا دفتر ایشان نیز منعکس کنند.

رئیس جمهور در چنین شرایط حساسی علاوه بر نهاد ذی‌ربط، نظر مشاوران و متخصصان دیگر را جویا می‌شدند.

با توجه به اینکه فرصتی برای تشکیل جلسه و جمع‌بندی نظرات آن هم در ساعات شب نبود، انتقال نظرات مشورتی به این شکل می‌توانست به تسهیل در تصمیم‌گیری کمک کند.

در ساعت هشت بعدازظهر دفتر رئیس جمهور اعلام کرد نظر رئیس جمهور موضع‌گیری سریع رسمی ایران و محکوم کردن این جنایت است. اما همچنان مشخص نبود که رئیس جمهور موضع‌گیری خواهند کرد یا وزارت خارجه باید موضع‌گیری کند. از وزارت خارجه خواسته شد که پیشنهاد خود را بدهد. ملاحظاتی برای محتوای موضع‌گیری نیز ابلاغ شد که کار را قدری مشکل می‌کرد. ملاحظات به همکاران وزارت امور خارجه و دکتر خانیکی منعکس شد.

تا ساعت ۹ شب پیشنهادها آماده شد و نهایتاً متن پیشنهادی دکتر خانیکی که بسیار متفاوت بود به رئیس جمهور پیشنهاد شد. پس از سه بار گفت‌وگوی تلفنی با رئیس جمهور نهایتاً متن بیانیه رئیس جمهور ساعت ۹/۳۰ آماده شد و دفتر رئیس جمهور آن را منتشر کرد. ساعت ۱۰ شب خبرگزاری‌ها و ساعت ۱۰/۳۰ تلویزیون ایران متن بیانیه آقای خاتمی را منتشر کردند.

موضع‌گیری رئیس جمهور ایران به سرعت در صدر خبرهای مربوط به عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر قرار گرفت و فضای تبلیغاتی علیه ایران را با سرعتی بیش از حد انتظار در رسانه‌های خارجی و از جمله رسانه‌های آمریکایی تغییر داد. این بیانیه در روزهای بعد هم کارکرد خود را داشت. ظرف ۲۴ ساعت پس از حادثه تمامی رهبران جهان این عملیات تروریستی را محکوم کردند و هیچ کس نمی‌توانست در مقابل این ماجرا سکوت کند اما کمتر پیامی کارکرد پیام رئیس جمهور ایران را داشت. در پیام رئیس جمهور ایران حرف چندان تازه‌ای که از پیش از آن از سوی ایشان بیان نشده باشد وجود نداشت. تنها با متن شیوا و دقیقی به مردم آمریکا تسلیت گفته شده بود و تروریسم به هر شکل و هر جا محکوم شده بود. هیچ لطفی به دولت آمریکا نیز در آن دیده نمی‌شد. اما تصمیم به موقع و سریع ایران در موضع‌گیری تاثیر زیادی داشت.

در روزهای بعد رئیس جمهور ایران یکی از طرف‌های اصلی مشورت کشورهای اروپایی و سازمان‌های بین‌المللی درباره ماجرا بود و تدریجاً به‌عنوان یک متحد جامعه جهانی در مبارزه با تروریست‌های القاعده مطرح شد و تا حدود یک سال بعد که با تدبیر اسرائیل و تندروهای آمریکا لحن رئیس جمهور آمریکا تغییر کرد این وضع ادامه یافت. مسلماً موضع قابل قبول و مسالمت‌جویانه آمریکا نسبت به ایران دلایل مختلفی داشت. آمریکا آماده نبود که در مورد این ماجرا از نگاه اسرائیل به تحولات منطقه بنگرد. به خصوص که با یک مسئله امنیتی خیلی جدی در خاک خود مواجه شده بود. ارتباطات ایران و آمریکا در چارچوب سازمان ملل در مورد افغانستان در این وضع تاثیر زیادی داشت. به علاوه همه بررسی‌های اطلاعاتی آمریکا حکایت از آن داشت که ایران و دوستان ایران در منطقه رابطه‌ای با تروریست‌های القاعده نداشته‌اند و دلایل بیشتری از این دست. اما در کنار همه اینها تصمیم درست، دقیق، سنجیده و به موقع ساعات پایانی روز ۱۱ سپتامبر در ایران تاثیر مهم و تعیین‌کننده‌ای در مدیریت این بحران داشت. بحرانی که اگر به درستی مدیریت نمی‌شد می‌توانست تهدیدات خطرناکی علیه ایران به همراه داشته باشد اما نهایتاً با تدابیر درست ایران فرصت‌هایی را نیز برای امنیت و منافع ملی ایران به همراه داشت.

خبرها

ایران و لبنان محور مذاکرات فرانسه و امارات

فارس: وزیر امور خارجه فرانسه که شامگاه شنبه وارد ابوظبی شد، با مقامات اماراتی درباره ایران، لبنان و منازعه اسرائیل و فلسطین گفت‌وگو خواهد کرد. به گزارش خبرگزاری فرانسه از ابوظبی، فیلیپ دوست‌بلازی در این سفر با شیخ عبدالله بن‌زاید آل‌نهیان همتای اماراتی خود که کشورش ریاست دوره‌ای اتحادیه عرب را برعهده دارد، دیدار می‌کند. ژان پاتیست ماتئی روز پنجشنبه اعلام کرده بود، دوست‌بلازی در ابوظبی مسئله بازسازی لبنان را به شکل خاص بررسی و بر رایزنی تنگاتنگ میان دو کشور تاکید خواهد کرد. وزیر امور خارجه فرانسه همچنین سیاست کشورش را درباره مذاکره با ایران تشریح خواهد کرد.

آمادگی تهران برای بیشترین همکاری

ایرنا: «پیر فریناندو کازینی» رئیس اتحادیه جهانی بین‌المجالس و «جانسون» دبیرکل این اتحادیه روز شنبه با «منوچهر متکی» وزیر امور خارجه ایران دیدار کردند. به گزارش اداره کل اطلاعات و مطبوعات وزارت امور خارجه، در این دیدار درباره مسائل مختلف بین‌المللی، همکاری‌های دوجانبه ایران با اتحادیه بین‌المجالس، روند صلح خاورمیانه، وضعیت عراق، افغانستان و پرونده هسته‌ای ایران بحث و تبادل نظر شد. وزیر امور خارجه بر لزوم گسترش همکاری ایران با سازمان بین‌المجالس تاکید و ضرورت فعال شدن هرچه بیشتر این سازمان در عرصه‌های بین‌المللی را یادآور شد. متکی در خصوص مسئله هسته‌ای ایران و مذاکرات جاری ایران و اتحادیه گفت: جمهوری اسلامی ایران از حق خود در رابطه با دستیابی به تکنولوژی صلح‌آمیز هسته‌ای چشم‌پوشی نمی‌کند و در عین حال آمادگی دارد بیشترین همکاری ممکن را در زمینه نظارت بین‌المللی و شفاف‌سازی در چارچوب مقررات و رژیم‌های بین‌المللی انجام دهد. وی گفت: پیشنهادهای ایران در خصوص تشکیل کنسرسیوم و حتی مالکیت مشترک نیروگاه‌های هسته‌ای (بین کشورها) نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران صرفاً به دنبال استفاده از جنبه‌های صلح‌آمیز تکنولوژی هسته‌ای است و کشورهای بزرگ هم به درستی می‌دانند که ایران در پی سلاح هسته‌ای نیست، اما کارشکنی‌های آنان بدان جهت است که آنان در تلاش‌اند تا تکنولوژی هسته‌ای را در انحصار خود داشته باشند.